



نگاه کارشناس

علی تقی زاده مدرس دانشگاه و نماینده مجلس ششم:

«عدم احراز صلاحیت» مخالف اصل حقوقی «صحت» است

«عدم احراز صلاحیت» یکی از موضوعات مناقشه برانگیز در بررسی صلاحیت افراد در آستانه هر انتخابات است؛ طی چند دوره انتخابات مجلس بودند افرادی که با این عنوان از میدان رقابت خارج شدند. درباره جایگاه این اصطلاح در قانون و استفاده از آن در بررسی صلاحیت‌ها، گفت‌وگویی با علی تقی زاده، حقوقدان و استاد حقوق اساسی و نماینده مجلس ششم داشته‌ایم که در ادامه می‌آید.

عدم احراز صلاحیت از جمله اصطلاحاتی است که در بررسی صلاحیت ثبت‌نام‌کنندگان انتخابات مجلس و ریاست جمهوری به چشم می‌خورد. از لحاظ حقوقی جایگاه چنین عنوانی را برای حذف اشخاص از رقابت چگونه می‌دانید. آیا استفاده از این عنوان در این پروسه بر اساس منطق حقوقی درست است یا خیر؟

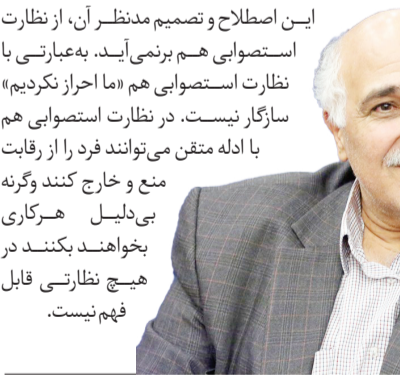
اگر بخواهیم به صورت ریشه‌ای به این اصطلاح نگاه کنیم، علی‌القاعده ما در عالم حقوق اصلی به عنوان «اصل صحت» داریم و این را در خصوص معاملات و اعمال حقوقی مطرح می‌کنند. به عبارتی اگر در جایی محل مناقشه باشد که این عمل حقوقی صحیح است یا معتبر است و آثار خودش را تولید می‌کند یا خیر، در چنین وضعیتی ما اصل را بر صحت می‌گذاریم. به عبارتی اصل بر این است که این معامله معتبر است مگر اینکه خلافش احراز و اثبات شود. این ایده در قوانین ما وجود دارد؛ حال باید این اصل را تعمیم دهیم و در بررسی و مقایسه با افراد هم پیاده کنیم. اگر بین واجد صلاحیت بودن و فاقد شرایط بودن نتوان تصمیم گرفت اصل بر این است که فرد صلاحیت دارد، مگر اینکه با سند و مدرکی اثبات شود که این شرط لازم وجود ندارد. در چنین شرایطی می‌گویند فرد واجد صلاحیت نیست. نهاد شورای نگهبان تشکیل شده که به بررسی همین موارد در ثبت‌نام‌کنندگان هر انتخاباتی که وظیفه بررسی صلاحیت ثبت‌نام‌کنندگان هر دارد، بپردازد و ببیند داوطلب‌ها صلاحیت حضور در رقابت را دارند یا ندارند. اینکه بررسی کنند و در نهایت نتیجه رسیدگی‌اش را اینگونه عنوان کنند که ما رسیدگی کردیم و نه توانستیم صلاحیت را احراز کنیم و نه توانستیم عدم صلاحیت را احراز کنیم. این نقض غرض است و با فلسفه وجودی این نهاد خیلی سازگاری ندارد. این نهاد شکل گرفته که همین واجد صلاحیت بودن و نبودن افراد را تشخیص دهد پس این «عدم احراز صلاحیت» محلی از اعراب در نتیجه کار این افراد ندارد و از اساس مورد ایراد است؛ به‌ویژه اینکه این موضوع با حق الناس و حقوق افراد ارتباط دارد. در بررسی صلاحیت‌ها حقوق مردم باید مدنظر باشد و در این پروسه حقوق مشخصی به مردم تعلق می‌گیرد. فقط مسئله کوتاهی کردن در انجام وظیفه نیست بلکه محروم کردن مردم از حقوقی است که به آنها باید تعلق بگیرد. به عبارتی با همه موازین ما ناسازگار است.

با توجه به اینکه در قانون جدید انتخابات این عنوان در کنار «تایید صلاحیت» و «ردصلاحیت» مطرح شده است و وجهه قانونی به آن داده شده است و پیشتر هم از مجلس هفتم به بعد از آن بهره برده شده است؛ چه راهکاری برای حفظ حقوق شهروندی و

جلوگیری از تضییع حق مردم می‌توان به کار برد؟
نهادهای ذی‌ربط معمولاً بهانه می‌کردند که ما وقت کافی برای بررسی صلاحیت این تعداد ثبت‌نام‌کننده را نداریم. بر همین اساس قانون را تغییر دادند و از ۶ ماه قبل از انتخابات پروسه ثبت‌نام و اعلام حضور برای شرکت در انتخابات را مطرح کردند با این هدف که وقت کافی برای بررسی صلاحیت‌ها داشته باشند. با وجود همه این توضیحاتی که دادید در این انتخابات مانع رقابت شدن افراد با عنوان «عدم احراز صلاحیت» دیگر هیچ موضوعیتی ندارد. نهاد مربوطه باید بررسی کند اگر صلاحیت را تشخیص داد، که مشخص است و اگر تشخیص نداد و دلیلی بر ردصلاحیت هم نبود از اصول حقوقی که پیشتر گفتیم باید استفاده کنند. یعنی اصل بر صحیح بودن و داشتن صلاحیت است مگر خلافش احراز و اثبات شود. اگر عدم احراز صلاحیت نشود فرد واجد صلاحیت و شرایط است و از اینجا به بعد باید اتخاذ تصمیم درباره فرد را به مردم بسپارند. مردم بر اساس شرایطی که افراد مطرح می‌کنند اگر فرد را مقبول خود دیدند انتخاب می‌کنند. قرار نیست شورای نگهبان به جای مردم تصمیم بگیرد بلکه بر اساس قانون قرار است افرادی را که شرایط مندرج در قانون را ندارند و به عبارتی واجد صلاحیت نیستند از رقابت حذف کنند وگرنه بقیه مسیر و انتخاب افراد از اختیارات مردم است.

اگر چه از مجلس چهارم به بعد نظارت استصوابی وجود داشت اما عنوان عدم احراز صلاحیت از مجلس هفتم به کار رفته است. آیا می‌توان استفاده از این اصطلاح را در مسیر همین نوع نظارت دانست؟

تا پیش از مجلس هفتم چنین اصطلاحی برای افراد استفاده نشده است و موضوع جدیدی در مسیر بررسی صلاحیت‌هاست و به نوعی مدلی از محروم کردن افراد از حقوق مسلم شهروندی، اخلاقی و شرعی‌شان است که هیچ مبنایی در این موارد ندارد و کاملاً «من‌دراوردی» است. در قانون انتخابات قبلی چنین اصطلاحی نبود و باید از اصول در آن پیروی می‌کردند که به مرور این روند نادیده گرفته شد. چنانچه بهره‌وری از این اصطلاح نه عقلایی و نه منطقی است و حالا گویی در قانون جدید انتخابات آن را اضافه کرده‌اند. فرق اینکه شما واجد شرایط نباشید یا به شما بگویند صلاحیت‌تان احراز نشده از زمین تا آسمان است و دومی عملاً تضییع حق است. برای ردصلاحیت هم باید دلایل متقن داشته باشند که اذهان را قانع کنند. اگر مسئول بررسی صلاحیت، صلاحیت را احراز نکند کوتاهی در وظیفه‌اش انجام داده است و دلیلی نمی‌شود که افراد را از حقوق‌شان محروم کنند. خود نظارت استصوابی را بر اساس قانون اساسی سال ۵۸ و اصول کلی حقوقی نمی‌شد برداشت کرد اما در پی اصلاح قوانین چنین موردی را در قانون گنجانده‌اند اما درباره «عدم احراز صلاحیت» باید تصریح کرد که این اصطلاح و تصمیم مدنظر آن، از نظارت استصوابی هم بر نمی‌آید. به عبارتی با نظارت استصوابی هم «ما احراز نکردیم» سازگار نیست. در نظارت استصوابی هم با ادله متقن می‌تواند فرد را از رقابت منع و خارج کنند وگرنه بی‌دلیل هرکاری بخواهند بکنند در هیچ نظارتی قابل فهم نیست.



فراخوان مناقشه

در اجرای قانون برگزاری مناقصات (مصوب سال ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی) و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران در نظر دارد نسبت به برگزاری مناقشه جهت انتخاب شرکت مهندسین مشاور برای اجرای پروژه «تکمیل و برپورسانی تهیه نقشه مناطق شهری و حومه (۱) در شهرهای بهشهر، ساری (منطقه ۲) و آمل» از طریق مناقشه عمومی دورمرحلهای همزمان با ارزیابی کیفی با مشخصات ذیل اقدام نماید.

دستگاه مناقسه‌گزار: اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
موضوع مناقسه: تکمیل و برپورسانی تهیه نقشه مناطق شهری و حومه در شهرهای بهشهر، ساری (منطقه ۲) و آمل
محل اجرای پروژه و مدت زمان اجرا: استان مازندران - شهرستان‌های بهشهر، ساری (منطقه ۲) و آمل مدت اجرا ۱۴ ماه
مهلت دریافت اسناد: از روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۴ لغایت روز پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۴
چ- محل دریافت اسناد: با عنایت به ثبت مناقسه در سامانه تدارکات الکترونیک دولت جهت دریافت اسناد مناقسه به سایت (www.setadiran.ir) مراجعه نمایید.
مهلت تحویل اسناد: تا پایان وقت اداری روز پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۸
تاریخ بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۳۰
گروه و رشته شغلی: شرکت‌های مشاور نقشه‌برداری دارای صلاحیت خدمات مشاوره معتبر از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور دارای حداقل رتبه ۲ فوئوترازمتری و حداقل رتبه ۱ نقشه‌برداری زمینی.
آدرس اداره کل ثبت اسناد و املاک: نشانی کارفرما: ساری - بلوار پاسداران - اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران کارفرما در رد یا قبول مدرک مناقسه‌گران در تمام مراحل اختیار تام دارد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰ - **تاریخ انتشار نوبت دوم:** ۱۴۰۲/۱۰/۱۱

مدیرکل ثبت اسناد و املاک مازندران - احمد خالقی

انتخابات



شاید به لیست واحد نرسیم

مهدی چمران، رئیس شورای ائتلاف تهران در گفت‌وگو با خبرنگاری فارس در تحلیل وضعیت جریان‌های سیاسی کشور برای حضور در انتخابات مجلس دوازدهم گفت: «آنچه که الان دارند فعالیت می‌کنند، فکر می‌کنم به یک نتیجه مشخصی نرسیده‌اند ولی بنده برداشتم یا پیش‌بینی‌ام این است که بالاخره به یک فهرست واحدی خواهند رسید و به نظر واحدی دست خواهند یافت و مسیرشان مشخص خواهد شد.» او ادامه داد: «در این زمینه شاید در اصولگرایان به یک فهرست واحد نرسیم. می‌گویم شاید که امیدوارم برسیم. ولی شاید نرسیم، اما آن طرف را تقریباً پیش‌بینی این است که خواهند رسید. روی این مسئله خیلی باید دقیق شد؛ یعنی دوستان ما بدانند که بالاخره اگر می‌خواهند رقابتی صورت بپذیرد فضای رقابت این مدلی است.»



بعید است لیست مشترک بدهیم

محسن رهامی، فعال سیاسی اصلاح طلب و نماینده پیشین مجلس در گفت‌وگو با خبرنگاران درباره احتمال ارائه لیست مشترک از سوی اصلاح‌طلبان با نزدیکان علی لاریجانی و حسن روحانی گفت: «من فکر می‌کنم اگر احتمال بدهیم حداقل ۵۰ تا ۶۰ نفر هم در مجلس دوازدهم، نماینده مستقل و خوش‌فکر داشته باشیم، ارزش آن را دارد که تلاش کنیم و برای انتخابات سرمایه‌گذاری کنیم. حتی گاهی من به دوستان می‌گویم داشتن یک کرسی مجلس و حضور یک نماینده، همچون مرحوم مدرس هم ارزش دارد و می‌تواند مفید واقع شود.» او ادامه داد: «اعتقاد من این است که ما خودمان نباید به فضای یأس و ناامیدی مردم دامن بزنیم؛ چون مردم به حد کافی از زرد خاطر و مایوس شده‌اند و نگرانی جدی برای آینده کشور دارند. ما باید تلاش کنیم حتی الامکان به مردم امید بدهیم، اما اینکه بتوانیم به یک لیست مشترک برسیم بسیار بعید است؛ چون لازمه ارائه لیست، داشتن نامزد انتخاباتی به تعداد کافی است که فعلاً اکثر نامزدهای اصلاحات و معتدلیان، در تهران و استان‌ها کنار گذاشته شده‌اند.»



شرط رسیدن اصولگرایان به لیست واحد

حسین سبحانی‌نیا، نماینده ادوار مجلس در گفت‌وگو با فردینوز با بیان اینکه هنوز آثاری از ائتلاف انتخاباتی در دو جریان سیاسی اصلی کشور دیده نمی‌شود، افزود: «در جریان اصولگرا شورای وحدت، شورای ائتلاف، جبهه‌یاداری، شریان رزما هر کدام فعلاً دنبال لیست خودشان هستند؛ در جریان اصلاحات و اعتدال نیز وضعیت به همین شکل است.» او ادامه داد: «اگر رقابت انتخاباتی اصولگرایی-اصلاح‌طلبی شود، اصولگرایان همچون دوره گذشته به سمت ارائه لیست واحد خواهند رفت چون آن دوره نیز تا روز آخر فهرست‌های متنوعی در جریان اصولگرا وجود داشتند اما روز آخر پایداری از رویکرد ساز مخالف زدن عقب کشید و مثل همه گروه‌ها به سمت ائتلاف واحد با سراسری محمدباقر قالیباف حرکت کرد؛ این دوره هم امکان شکل‌گیری چنین ائتلافی وجود دارد. در این صورت رقابت اصولگرایی-اصلاح‌طلبی می‌شود.»



محمد محمدی گیلانی دبیر وقت شورای نگهبان در پاسخ به سوال غلامرضا رضوانی، رئیس هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مبنی بر نوع نظارت این نهاد بر انتخابات چنین نوشته بود: «نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی استصوابی است و شامل مراحل اجرایی انتخابات از جمله کاندیداها می‌شود.»

▼ **آثار و عواقب حکم به «عدم احراز صلاحیت»**
از همان سال ۱۳۸۲ به بعد در آستانه هر انتخابات مجلس، تحلیلگران سیاسی متعددی به انتقاد از این رویه و افزوده شدن این اصطلاح به فضای سیاسی کشور پرداختند؛ از جمله موارد اخیر آن و در آستانه انتخابات مجلس دوازدهم می‌توان از مصطفی پورمحمدی، وزیر کشور دولت احمدی نژاد و دبیرکل جامعه روحانیت مبارز نام برد که با حضور در برنامه تلویزیونی «صف اول» به انتقاد از «عدم احراز صلاحیت» پرداخت و گفت: «مردم اگر اعتماد کنند که رأی‌شان خوانده می‌شود و تأثیرگذار است، حتماً به مشارکت کم‌کم می‌کنند و مهم‌ترین محسوری که رهبر انقلاب امسال روی آن تأکید دارند، همین رقابت جدی و حضور همه مردم و جناح‌ها در انتخابات است. شورای نگهبان و هیئت‌های نظارت نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش مشارکت دارند، مثلاً بحث عدم احراز کاندیداها ماهیت حقوقی درستی ندارد و ضدمشارکت است. مردم باهوش و فهیم هستند و تصمیم دقیق در موضوعات می‌گیرند، به جای مردم تصمیم گرفتن برای کشور خطرناک است؛ رهبری معظم هم هوشیاری و عقل مردم را مورد خطاب قرار می‌دهند و به همین دلیل به مشارکت و رقابت جدی تأکید می‌کنند (۵ دی ۱۴۰۲)». البته که این موضوع در ادوار مختلف انتخابات مورد بحث قرار گرفته و رسانه‌ها و مردم از شورای نگهبان خواستار توضیح آن شدند. چنانچه در سال ۹۹ عباسعلی کدخدایی، سخنگوی وقت شورای نگهبان مورد سوال قرار گرفت. او در پاسخ به سوال روزنامه «جهان صنعت» با این مضمون که «آیا عدم احراز صلاحیت فرد از سوی شورای نگهبان در صورتی که فرد صلاحیت نامزدی را داشته باشد زیر پا گذاشتن حق الناس از سوی شورا و اعضای آن هست یا نه؟» چنین پاسخ داد: «اگر کسی صلاحیت داشته باشد و شورای نگهبان غیرحق بگوید عدم احراز داریم، بله زیرا گذاشتن حق الناس است، ولی این بحثی که ما داریم این نیست. ما می‌گوییم در جاهایی نمی‌توان تشخیص داد که فرد صلاحیت دارد یا ندارد و عدم احراز از جمله مواردی است که مقام معظم رهبری در فرمایشات علنی به آن استناد کردند و هم قانون حکم کرده در این جهت این موضوع از جمله اختیاراتی است که شورای نگهبان طبق قانون دارد.»

به استناد اصل ۹۹ قانون اساسی «شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجع به آراء عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد»، اما آیت‌الله حسینعلی منتظری درباره این اصل و تصویب آن در «روش‌ها تغییر نکرد» و جزوه «حکومت مردم و قانون اساسی» گفته است: «فلسفه تصویب اصل ۹۹ با توجه به اینکه من رئیس مجلس خبرگان بودم این بود که چه باید کرد تا حاکمان کشور، چون رژیم گذشته در انتخابات دخالت نکنند و انتخابات آزاد برگزار شود. فکر می‌کردیم مقدس‌ترین نهاد، شورای نگهبان است، چون از سوی آیت‌الله خمینی نصب شده‌اند. هدف، نظارت بر امر انتخابات بود نه بر کاندیداها و انتخاب‌شوندگان. این فلسفه تصویب اصل ۹۹ بود، ولی الان به نحو دیگری عمل می‌شود و عملاً نظارت بر کاندیداها و انتخاب‌شوندگان اعمال می‌شود.» «به یاد دارم که انگیزه خبرگان برای تصویب این اصل، خاطره تلخ آزاد نبودن انتخابات در رژیم سابق و مداخلات رژیم در تعیین کاندیداها و فرمایشی بودن انتخابات بود که در حقیقت، به صورت انتصابات درآمده بود؛ خبرگان برای اینکه در آینده از ناحیه مسئولین چنین دخالت‌هایی انجام نگیرد این اصل را تصویب کردند. پس هدف اصلی خبرگان، آزاد بودن انتخابات و جلوگیری از دخالت‌های بی‌جا بود نه دخالت در رد یا قبول کاندیداها». البته که پس از اصلاح قانون اساسی در سال ۶۸، تفسیر از نقش شورای نگهبان در انتخابات از سوی این نهاد تغییر کرد و در نهایت با نظارت استصوابی همه روند انتخابات از ثبت‌نام و ثبت‌نام‌کنندگان تا پایان آن بر عهده شورای نگهبان قرار گرفت. چنانچه محمد محمدی گیلانی، دبیر وقت شورای نگهبان در پاسخ به سوال غلامرضا رضوانی، رئیس هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مبنی بر نوع نظارت این نهاد بر انتخابات چنین نوشته بود: «عطف به نامه شماره ۲/۳۳ مورخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۰ موضوع در جلسه ۱ خرداد ۷۰ مطرح و نظر شورا بدین شرح اعلام گردید. نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی استصوابی است و شامل مراحل اجرایی انتخابات از جمله تایید و ردصلاحیت کاندیداها می‌شود.»

اما مسئله «عدم احراز صلاحیت» از باب حقوق شهروندی و «اصل برائت» و «اصل صحت» چیزی فراتر از نظارت استصوابی را به میان می‌آورد. بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی که منطبق با ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر نگاشته شده، آمده است: «اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم محسوب نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.» همچنین بر اساس ماده ۲۲۳ قانون مدنی، «اصل صحت» مطرح است که: «هر معامله که واقع شده باشد محصول بر صحت است، مگر اینکه فساد آن ثابت شود.» بنابراین در تعمیم این مواد قانونی طبیعتاً درباره داوطلبان انتخابات هم باید اصل را بر صلاحیت گرفت مگر اینکه مستندات کافی برای «ردصلاحیت» پیدا شود. با توجه به این موارد به نظر می‌آید شورای نگهبان از اصطلاح «عدم احراز صلاحیت» برای مقابله با فشار افکار عمومی استفاده می‌کند و با آن پذیرش کم‌کاری برای بررسی صلاحیت افراد را از این طریق از سر باز می‌کند یا نظرش درباره برخی افراد را که حتی با روند نظارت استصوابی نمی‌تواند مانع از حضور آنها در رقابت شود، با این اصطلاح بر نتایج بررسی صلاحیت اعمال می‌کند. طبیعتاً قانون باید آنچنان شفافیت و صراحت داشته باشد که نتوان از آن تفاسیر مختلف کرد و باید در کنار جامع بودن مانع هم باشد نه اینکه به هر میزان که بخواهند بتوانند بر مصادیق آن بیفزایند و در این موارد که حق انتخاب مردم و رأی آنها قرار است میزان محسوب شود؛ با تحدید و تضییع آن تنوع سلیق و مشارکت را تحت الشعاع قرار دهند.